

اشاره:

بحث قیمت‌گذاری کالاها برای مقابله با فشارهای تورمی در اقتصاد ایران در چند سال اخیر از مباحث مهم تلقی می‌شود. کارشناسان اقتصادی در بخش‌های خصوصی و دولتی، دست‌اندرکاران تولید، مردم و سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اقتصادی، نگاه‌های ویژه‌ای به نظام قیمت‌گذاری کالاها دارند که هر یک در جای خود خواندنی و شنیدنی است.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در نظرسنجی از کارشناسان اقتصادی بخش‌های خصوصی و دولتی در زمینه قیمت‌گذاری کالاها و جمع‌بندی این نظرات، گزارش حاضر را تهیه کرده است که با هم می‌خوانیم.

# قیمت‌گذاری و اثر آن بر اقتصاد کشور از نظر کارشناسان

نورزیده است، حذف یارانه کالاهای اساسی و آزادسازی کامل قیمت این کالا، فشارهای مضاعفی را بر این گروه وارد می‌سازد و بر الگوی تغذیه آنها تأثیر منفی دارد.

اکثر کارشناسان اعتقاد دارند که مداخله دولت در نظام قیمت‌ها در بلندمدت قابل توجیه نمی‌باشد. آنها درباره آثار این مداخله در بلندمدت به این موارد اشاره دارند.

جمع‌بندی نظرات کارشناسان اقتصادی بخش‌های خصوصی و دولتی نشان می‌دهد که اکثریت آنها با آزادسازی یکباره نظام قیمت‌ها و حذف یارانه‌های پرداختی از سوی دولت، مخالف می‌باشند.

این گروه اعتقاد دارند تا زمانی که دولت براساس یک برنامه منظم به شناسایی ا فشار آسیب‌پذیر اجتماعی مبادرت

سرمایه‌گذاری در برخی رشته‌ها با مازاد تولید نسبت به تقاضای داخلی مواجه شده است و چنانچه نتوان به صدور این تولیدات روی آورد، بسیاری از ظرفیت‌های تولیدی بلااستفاده خواهد ماند. همچنان که در حال حاضر نیز در صنایع سبک چنین وضعیتی حاکم است و موجودی انبار بسیاری از واحدهای تولیدی در حد بالایی است. در حالی که با مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش روبه‌رو می‌باشند. چنانچه این تولیدات به فروش نرسد، واحدهای مزبور مجبور به تعطیل فعالیت خود خواهند شد.

۷- تخصیص ارز به برخی رشته‌های صنعتی و قیمت‌گذاری تولیدات آنها برای عرضه در بازار داخلی با توجه به محدودیت تقاضا، به رکود تورمی در جامعه منجر شده است.

۸- مصرف‌کنندگان همواره از دخالت دولت در قیمت‌گذاری کالاها حمایت می‌کنند، زیرا تصور می‌نمایند که این اقدام دولت موجب کاهش فشارهای تورمی می‌شود، در حالی که تجربیات سال‌های اخیر عکس این موضوع را نشان می‌دهد. هر جا که دولت در قیمت‌گذاری و عرضه کالاها دخالت کرده است، احتکار، کمبود عرضه، گرانی بیشتر و... به وجود آمده است.

۹- قیمت‌گذاری کالاها، صادراتی از موانع رشد صادرات غیرنفتی در سال‌های اخیر بوده است به خصوص آنکه سپردن پیمان ارزی در حدی بالاتر از درآمد حاصل از صادرات، انگیزه صادرکنندگان را برای فعالیت کاهش داده و روند صادرات غیرنفتی را نزولی کرده است. آمارهای صادرات غیرنفتی در سال‌های ۷۴ تا ۷۶ که همواره کمتر از ۳/۵ میلیارد دلار در سال بوده است، در مقایسه با رقم صادرات غیرنفتی سال ۷۳ که حدود ۵ میلیارد دلار ثبت شده، مؤید این نظر است.

۱۰- قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و خرید تضمینی این محصولات از سوی دولت، نتوانسته کارآیی لازم را در روند تولید این محصولات نشان دهد. رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در سه سال گذشته همواره کمتر از ۵ درصد در سال بوده و روند واردات این اقلام همچنان ادامه دارد.

۱۱- اگر دولت به هدایت فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری مناسب در بخش کلان اقتصادی مبادرت ورزد و امور خرد اقتصادی را به مردم و بخش خصوصی واگذار کند، روند تولید و بازار کار رونق تازه‌ای خواهد گرفت.

۱۲- قیمت‌گذاری و سهمیه‌بندی کالاها در دوران جنگ، از نظر اقتصاددانان پذیرفته شده است، اما در دوران صلح این امر

○ تا زمانی که دولت بر مبنای یک برنامه منظم به شناسایی اقشار آسیب‌پذیر مبادرت نورزیده است، حذف یارانه کالاهای اساسی و آزادسازی قیمت‌ها، فشارهای مضاعفی را بر این گروه وارد می‌سازد.

۱- آزادسازی قیمت‌ها، سبب می‌شود که عرضه و تقاضا در بازار حد قیمت کالاها را مشخص سازد و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی تا آنجا که هزینه نهایی تولید هر کالا با درآمد نهایی آن که برابر با قیمت کالا در بازار می‌باشد، تداوم پیدا کند.

۲- از آنجا که سرمایه‌گذار همواره به دنبال کسب سود می‌باشد، لذا مقایسه بازده سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف اقتصادی سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران به بخش‌های سودآورتر روی آورند. هر چند که ممکن است بسیاری از کالاهای اجتماعی به لحاظ ماهیت عدم سوددهی تولید نشوند، اما پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی و بازده مناسب برای سرمایه‌گذاری گزینش می‌شوند و در نتیجه تخصیص منابع اقتصادی محدود جامعه به شکل بهتری صورت خواهد گرفت. لازمه بهره‌گیری از چنین فرآیندی، آزادی نظام قیمت‌ها و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی است.

۳- دولت به عنوان یاری‌دهنده فعالان اقتصادی برای تأمین نیازمندی‌های جامعه باید به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی روی آورد که انگیزه بخش خصوصی برای فعالیت در این حوزه‌ها کمتر است.

۴- مداخله مستمر دولت در امر قیمت‌گذاری کالاها سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران انگیزه فعالیت را تا حدودی از دست بدهند.

۵- از آنجا که دولت با تخصیص ارز حاصل از صادرات بر فعالیت‌های اقتصادی، عمده‌ترین منبع توزیع ارز در جامعه می‌باشد، سرمایه‌گذاران برای استفاده از ارز دولتی به طرح‌هایی روی می‌آورند که از مابه‌التفاوت نرخ ارز، سودده به‌نظر می‌رسند و لذا ارزیابی دقیق اقتصادی برای یافتن توجیه کامل صورت نمی‌گیرد. در این شرایط تخصیص منابع نیز به‌صورت بهینه انجام نخواهد شد.

۶- از آنجا که دولت در سال‌های اخیر در تخصیص ارز فعالیت‌های شخصی را مورد عنایت قرار داده است،

## ○ قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و سپردن پیمان ارزی، انگیزهٔ صادرکنندگان را کاهش داده و مانع از رشد صادرات غیرنفتی شده است.

قابل قبول نیست و نظام اقتصادی را مختل می‌سازد. قیمت‌ها علایم روشن اقتصادی هستند که باید مورد توجه سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی برای تنظیم برنامه فعالیتشان قرار گیرند. ایجاد هر گونه خلل در روند عادی قیمت‌ها سبب می‌شود که علایم ارایه شده، صحیح نباشند و زیان‌های اقتصادی به بار می‌آید.

۱۲- قیمت‌گذاری کالاها و دخالت مستمر دولت در نظام قیمت‌ها نه در بعد بازرگانی و توزیع داخلی و نه در بخش صادرات نتایج چندان امیدوارکننده‌ای نداشته و لذا بهتر است دولت حیطة فعالیت خود را در این بخش تغییر دهد.

۱۴- کارشناسان بخش دولتی بر این باور هستند که اگر دولت در نظام قیمت‌گذاری کالاها و تنظیم بازار دخالت نمی‌کرد، روند رشد میزان تورم به مراتب بالاتر از حد کنونی بود و ممکن بود به تشنجات اجتماعی بینجامد.

۱۵- دولت با دخالت در قیمت‌ها، امکان زندگی و تأمین معیشت را برای اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر فراهم ساخته است. بخش وسیعی از جمعیت کشور به دریافت یارانه‌ها نیاز مبرمی دارند و آزادسازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌ها زندگی این اقشار را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

۱۶- این گروه اعتقاد دارند که یارانه‌ها به‌طور صحیح توزیع نمی‌شود و همهٔ مردم را به‌صورت یکسان دربرمی‌گیرند. بنابراین ضرورت دارد که افراد نیازمند شناسایی و یارانه‌ها به‌طور مستقیم به آنها پرداخت شود. اما مردم به چنین حرکتی اعتماد ندارند.

۱۷- حذف تدریجی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت کالاها به ویژه کالاهای اساسی به‌طور مرحله‌ای و تدریجی، آثار روانی کمتری بر سطح عمومی قیمت‌ها در جامعه دارد و از این‌رو حرکت در این جهت قابل توجیه است.

۱۸- کارشناسان بخش دولتی در مورد دخالت دولت در تنظیم بازار و نرخ ارز اعتقاد دارند، اگر نظام قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و ضرورت سپردن پیمان ارزی لغو گردد، اگرچه رشد صادرات غیرنفتی میسر می‌گردد، لیکن بخش عمده‌ای از ارز حاصله به اقتصاد کشور بازمی‌گردد یا صرف

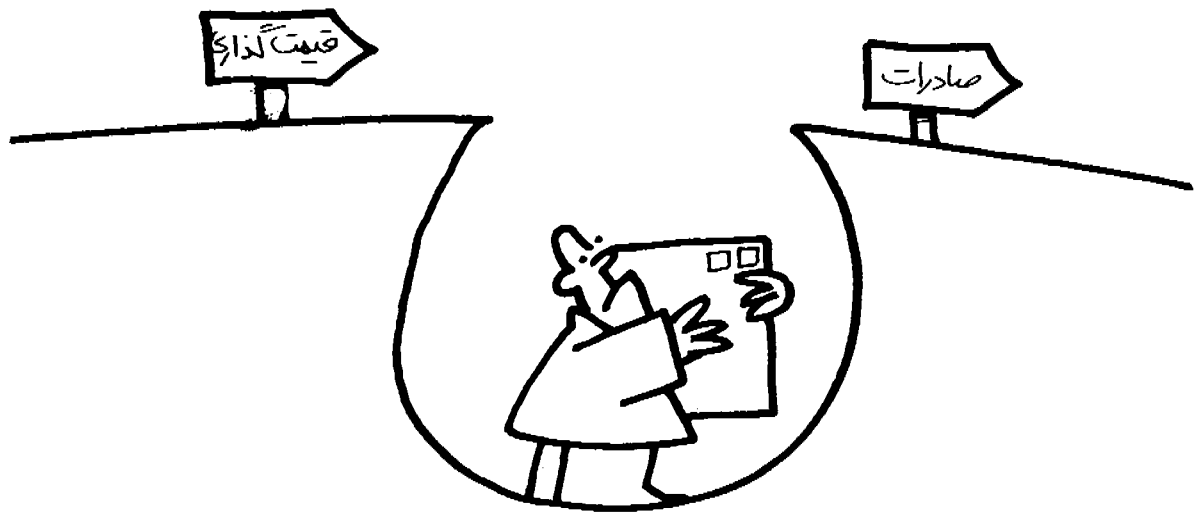
واردات کالاهای غیرضروری می‌شود.

۱۹- صنایع کشور که از ارز صادراتی بهره‌مند می‌شوند، می‌بایست محصولات خود را با نرخ مصوب به فروش رسانند، اگرچه نظام توزیع در حال حاضر با اشکالاتی مواجه است و در پاره‌ای موارد کالاها به نرخ مصوب به دست مصرف‌کنندگان نمی‌رسد. این امر نباید مسألهٔ قیمت‌گذاری این کالاها را زیر سؤال ببرد، بلکه باید نظام توزیع اصلاح گردد.

۲۰- بخش خصوصی همواره از قوانین و مقررات دست‌وپاگیر گله دارد، این بخش تمامی مقررات حاکم را دست‌وپاگیر تلقی می‌کند، در حالی که در دیگر نقاط جهان که نظام اقتصاد آزاد وجود دارد، به هر حال قوانین و مقرراتی نیز حاکم است که حقوق افراد را در مقابل یکدیگر و دولت مشخص می‌سازد. بخش خصوصی نظام قیمت‌گذاری را مانع فعالیت خود می‌داند، اما از آنجا که فعالیت بخش خصوصی در ایران از کارآیی اقتصادی مناسبی برخوردار نیست، عدم مداخله دولت به افزایش قیمت‌ها منجر می‌گردد. دولت با قیمت‌گذاری کالاها سعی می‌کند بخش خصوصی را در اصلاح روش کار و افزایش بازدهی، تشویق نماید، تا تولید در سطح قیمت‌های مصوب، سودآور باشد.

۲۱- کارشناسان اقتصادی بخش خصوصی دربارهٔ سازمان‌های ناظر بر قیمت‌ها اظهار داشته‌اند، این نهادها که حجم فعالیت دولت را چندبرابر کرده‌اند، هنوز تکلیف روشنی ندارند. حدود و وظایف آنها مشخص نمی‌باشد و اغلب گریبان خردفروشان را می‌گیرند در حالی که فشارهای تورمی فقط از ناحیهٔ این گروه بروز نکرده است و می‌بایست منشأ تورم را در جامعه به‌درستی شناسایی کرد و در سطح کلان اقتصادی به حل مشکل پرداخت. در مقابل کارشناسان بخش دولتی اعتقاد دارند که نهادهای ناظر بر قیمت و قیمت‌گذاری در جامعه با برخورداری از قدرت تحلیل کارشناسی مبادرت به وضع مقررات نموده و آنها را اجرا می‌کنند. آنها برنامهٔ کار روشنی دارند و نه تنها در سطح خردفروشی، بلکه در سطح عمده‌فروشی نیز به بررسی وضع قیمت‌ها و موارد نقض مقررات می‌پردازند.

## ○ دولت روند اصلاح را از خود آغاز کرده و با کاهش کسری بودجه در سال‌های اخیر سعی کرده است فشارهای تورمی را تخفیف دهد.



قیمت‌ها و به‌دست آوردن تعادل در بازار از طریق نیروهای عرضه و تقاضا اذعان دارند، منتهی روند حرکت سریع و یکباره به علت فشارهای وارده به اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی مورد موافقت کارشناسان بخش دولتی نیست.

دو گروه اتفاق نظر دارند که نظام چندنرخ ارز و میزان دسترسی فعالان اقتصادی به ارز ارزان‌تر مانع ارزیابی دقیق پروژه‌های سرمایه‌گذاری است و دولت دیر یا زود باید مسأله چندنرخ ارز را کنار گذارد.

آنها بر این نکته اتفاق نظر دارند که شناسایی اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی و پرداخت مستقیم یارانه به این گروه‌ها، می‌تواند کار دولت را در مرحله آزادسازی و یکسان‌سازی نرخ ارز تسهیل نماید و در نهایت تخصیص بهتر منابع اقتصادی را سبب شود.

○ اگر دولت در نظام قیمت‌ها دخالت نمی‌کرد، روند رشد میزان تورم به مراتب بیش از حد کنونی بوده و امکان بروز تشنجات اجتماعی نیز وجود داشت.

۲۲- کارشناسان بخش دولتی با اشاره به شناسایی عمده‌ترین دلایل فشارهای تورمی در اقتصاد ایران از سوی دولت، اظهار می‌دارند که دولت اصلاح روند قیمت‌ها را از خود آغاز کرده و در سال‌های گذشته به کاهش کسری بودجه مبادرت ورزیده است. در سال جاری نیز دولت سعی دارد کسری بودجه خود را با فروش اوراق مشارکت طرح‌های اقتصادی و بهره‌گیری از سیاست‌های مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأمین نماید تا طرح‌های مهم و نیمه‌تمام اقتصادی کشور را به اتمام رساند.

نتیجه ارزیابی نظرات کارشناسان بخش خصوصی دولتی نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران این دو بخش جدای از یکدیگر به فعالیت می‌پردازند و ایجاد سازش و هماهنگی میان نظرات دو گروه عمده‌ترین کاری است که باید انجام شود. با این وجود، هر دو گروه بر آثار مثبت ناشی از آزادسازی

